

نقش حقوق بین الملل در توسعه پایدار محیط زیست

اله مراد کشاورز

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد قشم، قشم، هرمزگان، ایران

سید باقر میرعباسی^۱

استاد، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد قشم، قشم، هرمزگان، ایران

احسان کامرانی

استاد گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد قشم، قشم، هرمزگان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۳

چکیده

محیط زیست امانت مشترک و از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است، لذا محقق ناگزیر از پرداختن به مباحث حقوق بین الملل، توسعه پایدار محیط زیست، و آثار سوء مصرف انرژی‌های فسیلی است که می‌بایست مفهوم محیط زیست از مفهوم نرم خارج و به صورت حقوق سخت و یک اصل کلی حقوق بین الملل تبدیل شود، چنان چه می‌شود رد پای ایجاد عرف بین الملل را در زمینه حفظ محیط زیست دید، این واقعیت که مسیر توسعه فراروی جهانیان، لزوم استفاده از انرژی بیشتر و احتمال آلودگی محیط زیست را دارد، بخش اعظم ذهن دانشمندان را به خود اختصاص داده و روابط پیچیده اجتماعی و نوع رفتار و تعامل انسان و محیط و آثار منفی دخالت انسان در نظم طبیعی، ضرورت حاکمیت قوانین و تضمین اجرای آن را می‌طلبد و این موضوع هم در جوامع توسعه یافته و هم در حال توسعه صادق است.

کلمات کلیدی: حقوق بین الملل، محیط زیست، توسعه پایدار، الزامات بین المللی، میراث مشترک

مقدمه

محیط‌زیست موضوعی است که امروزه دیگر بصورت جزیره‌ای نمی‌توان در مورد آن بحث و عمل کرد گرچه در مقام عمل همگان مسئولند و کلیه طبقات اجتماع اعم از افراد، سازمانها و دولتها در قبال آن بایستی پاسخگو باشند اما در این تحقیق مبحث حقوق بین‌الملل، رسالت و وظایف آن، در زمینه محیط‌زیست مورد کنکاش قرار گرفته و با نگاهی کلی به ابعاد مختلف زیست‌محیطی و پایداری توسعه آن، تلاش نموده‌ایم، با توجه به اینکه در سال ۱۹۸۷ کمیسیون حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل متحد، با تاکید بر "مفهوم توسعه پایدار" آن را در سر لوحه کار حقوق بین‌الملل قرار داد اما پس از آن شاهد وقایع ناگواری در زمینه تخریب و تهدید محیط‌زیست هستیم استفاده بی‌رویه از منابع غیرجایگزین و مصرف منابع هیدروکربنی و تولید آلاینده‌گی فراوان جهت تأمین انرژی مورد نیاز که بعضاً منتج رشد جمعیت و نیاز به مصرف بیشتر می‌باشد و با توجه به مقدار ثابت منابع و اینکه فرصت بازسازی و ایجاد تعادل بین برداشت و تولید جایگزین مجدد فراهم نمی‌باشد احساس خطر، جدی است، جنگ‌های متمادی در اعصار مختلف و استفاده از سلاح‌های مخرب محیط‌زیست از یکطرف، برداشت افسار گسیخته از منابع طبیعی از طرف دیگر، و برهم زدن موازنه فی‌مابین تولید و مصرف و محدود بودن بضاعت این کره خاکی، نشان از شیب منفی بسیار سریع در از دست دادن فرصت زندگی برای آیندگان، زنگ‌ها را به صدا در آورده است. گرچه تلاش‌هایی در سطح بین‌الملل از کنفرانس ریو ۱۹۹۲ گرفته تا ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ و ریو+۲۰ و اجلاس پاریس و معاهده کیوتو و اینکه در گذشته دور نیز بشریت این احساس خطر را داشته است که محیط‌زیست اولین خاکریز ابناء بشر است لذا بسیار سخت است که ارتباط بین محیط‌زیست و ادامه حیات بشر در کره خاکی قابل چانه‌زنی باشد آن گونه که در منشور ملل متحد نیز آمده است که حقوق اقتصادی از جمله حقوق بشر تلقی گردیده است و این حقوق محقق نمی‌شود مگر اینکه بحث محیط‌زیست آنهم بصورت پایدار مورد توجه قرار گیرد و این موضوع در قوانین اساسی اکثر کشورها بصورت شاخص آمده است از آنجائیکه حکومتها خود واضعان حقوق و مجریان آن می‌باشند ممکن است با تساهل و تسامح با نقض قوانین برخورد نمایند لذا اینجاست که تعیین حقوقی این مفهوم در بعد بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد و در سطح جهانی شاخص‌های الزام‌آور و ضمانت اجرا تعریف شود در دهکده جهانی سرنوشت ابناء بشر به یکدیگر گره خورده است و این بهم پیوستگی و اجبار زیست در کنار یکدیگر و در یک ظرف مشترک گریزناپذیر است و عملکرد هر کس در سرنوشت دیگری تاثیر دارد لذا باید پذیرفت که موضوع به این مهمی نمی‌تواند هدف و رسالت حقوق بین‌الملل قرار نگیرد و الزام و اجبار به اطراف یک معاهده جهانی لازم الاجبار حیاتی و ضروری است گرچه با گسترش ارتباطات، افزایش جمعیت، پیشرفت تکنولوژی و صنایع و با الطافات به اینکه کره‌زمین حجمی ثابت و غیرقابل گسترش دارد در نتیجه شاهد ظهور و تقاضای روز افزون بشر برای دستیابی به مایحتاج خود و در نتیجه مسابقه نامحدود بر سر بدست آوردن خدمات و تأمین انرژی آنهم نه در حداقل که به میزان حداکثر هستیم و این موضوع بعد از دو جنگ جهانی هر چه افسارگسیخته‌تر گردید، لذا برای چاره‌اندیشی در این مقوله، مشارکت سازمانهای بین‌المللی غیردولتی در کنار سازمانها و نهادی دیگر است و سوابق

این همکاری در بسیاری از زمینه‌ها از جمله توسعه و بسط حقوق بین‌الملل در خصوص موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و حقوق بشر می‌باشد و نمود عملی آنها در مسایل همچون لغو برده‌داری، حقوق و آزادی‌های مشروع، نقش و سهم زنان و... اشاره کرد لذا با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، محقق در پی بررسی ساختار و نظام حقوقی حاکم بر این موضوع می‌باشد و از مهمترین اهداف این پژوهش می‌توان به روند شکل‌گیری و سیر تاریخی نهادهای حفظ محیط‌زیست، توفیقات بدست آمده، کاستی‌های موجود و آیا این موفقیت‌ها و ساختار فعلی اقناع‌کننده هست یا خیر و بطور کلی دلایل تجدید ساختار و تدوین قوانین در این زمینه چیست؟ نحوه قانونگذاری، رابطه دولتها با نهادهای رسمی و غیررسمی در این زمینه چگونه است؟ روابط نهادهای موجود با سازمانهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل و سازمانهای وابسته به آن از مهمترین مجهولاتی است که این پژوهش در پی دست یافتن به پاسخی شایسته و ارایه راهکاری مناسب برای آنها می‌باشد بی شک مسایل دیگری نیز مطرح است که در این طرح کوتاه قابل ذکر نبود ولی در اصل پژوهش به آن توجه شده است.

رویکرد نظری

رایج ترین شکل تشکیل سازمان بین‌المللی، انعقاد معاهده است بیشتر سازمانهای بین‌المللی بر اساس یک معاهده چند جانبه ایجاد شده‌اند اما توافقات ممکن است به اشکال دیگری نیز نمایان شوند. گاه نمایندگان دولتها که در یک کنفرانس گرد هم می‌آیند ممکن است برای ایجاد یک سازمان بین‌المللی تصمیم بگیرند بدون اینکه معاهده‌ای مطرح باشد یا تصمیمی بر تنظیم و تصویب آن معاهده در آینده باشد برای نمونه، سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، براساس قطعنامه‌ای که در کنفرانس بغداد (۱۹۶۰) صادر شد ایجاد گردید یا سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (۱۹۶۶) براساس قطعنامه مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد. (زمانی، ۱۳۹۵)

این واقعیت که سازمان بین‌المللی به عنوان یک شخص حقوق بین‌المللی محسوب می‌شود بدین معنا نیست که از موقعیت دو وضعیتی مشابه دولت در چارپوب روابط بین‌الملل برخوردار است بلکه بدین معناست که تنها می‌تواند دارای حقوق و تکالیف بین‌المللی باشد در واقع در حالیکه دولتها می‌توانند دارای کلیه حقوق و تکالیف بین‌المللی باشند حقوق و تکالیف سازمانهای بین‌الملل با توجه به اهداف و اشتغالات صریح یا ضمنی آنها در اسناد مؤسس و آنچه در رویه‌ی مستمر توسعه یافته است فرق می‌کند از سوی دیگر فلسفه وجودی دولت به وظایفی چون تأمین مصالح عمومی، امنیت، رفاه همگانی و... بستگی دارد در مقابل موجودیت سازمانهای بین‌المللی کاملاً ابزاری است و مستقیماً به اجرای وظایف خاص بر می‌گردد اما نباید فراموش کرد که اگر چه سازمانهای بین‌المللی همانند دولتها از حاکمیت واحد و مختص بخود برخوردار نیستند اما در موارد مهمی چون دارا بودن ارکان قضائی، قانون گذاری و اجرایی و همچنین دسترسی به نظام‌های متنوع حل و فصل اختلافات، با دولت دارای اشتراکاتی هستند (حمید الهویی نظری و عقیل محمدی، ۱۳۹۶) سازمان ملل متحد سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵ میلادی تأسیس و جایگزین مدیر خانه جهان شد این سازمان توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱ میلادی ۱۹۳ کشور عضو آن

بودند مقر سازمان در نیویورک است شورای امنیت قویترین نهاد سازمان ملل، پنج عضو دائمی دارد که در تصمیمات این شورا حق وتو دارند.

اندیشه ایجاد سازمان ملل متحد در کنار کنفرانسهای مسکو، قاهره و تهران در سال ۱۹۴۳ دقیق‌تر شد، بودجه سازمان را کشورهای عضو بر اساس مشارکتهای داوطلبانه و برنامه‌ریزی شده می‌پردازند وقتی مسأله مهمی بروز کند مجمع عمومی با برگزاری گردهمایی بین‌المللی توجه جهانیان را به آن جلب کرده و درباره نوع اقدام اجماع جهانی برای همکاری را بدست می‌آورد از جمله، کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط‌زیست و توسعه (کنفرانس زمین) ریو در سال ۱۹۹۲ که به تشکیل کمیسیون توسعه پایدارگردید تا نتایج کار را در دستور جلسه ۲۱ یا همان متن توافق نهایی بین دولتها را پیگیری نماید.

پیگیری مسائل حقوق بشر دلیل اصلی ایجاد سازمان ملل بود و منشور ملل متحد تمام اعضای سازمان ملل را ملزم به اقدام در رعایت حقوق بشر می‌نماید و همه را موظف می‌داند که برای رسیدن به این هدف تلاش کنند، که در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ مجمع به اتفاق آراء رأی داد که شورای حقوق بشر سازمان را جایگزین کمیسیون حقوق بشر کند. ارکان اصلی سازمان ملل عبارتند از، مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دبیرخانه و دیوان بین‌المللی دادگستری که علاوه بر شش رکن اصلی، سازمان ملل متحد نهادها و برنامه‌های دیگری را نیز پوشش می‌دهند.

نقش سازمان ملل در تدوین قوانین

“صلاحیت عبارت است از اختیاراتی که به موجب سند مؤسس به یک سازمان بین‌المللی اعطا می‌شود تا در چارچوب آن به اهداف خود نائل شود. اگرچه صلاحیت یک سازمان بین‌المللی بر اساس اساسنامه آن تعیین می‌شود، با این حال، در عمل نه استناد به صلاحیت تصریح شده سازمان بلکه مفهوم و قلمرو این صلاحیت‌ها مورد چالش قرار گرفته است.” (زمانی، ۱۳۹۵)

“گرچه مبنای اصلی صلاحیت قانونگذاری، در سند مؤسس سازمان بین‌المللی است با این همه، باید توجه داشت تدوین کنندگان یک اساسنامه نمی‌توانند بطور کامل تمامی مقررات لازم جهت اداره داخلی سازمان بین‌المللی را لحاظ و در اساسنامه درج نمایند از اینرو در عمل بیشتر سازمانهای بین‌المللی فراتر از قواعد و مقررات کلی مندرج در اساسنامه، مبادرت به وضع قواعدی در راستای اجرا و تکمیل مفاد اساسنامه می‌نمایند و این فرآیند به عنوان رشد و تکامل سازمانهای بین‌المللی و ایجاد ارکان فرعی جدید با کارکردهای نوین است.” (Martinus Nijhoff, 2008)

برخی از مهمترین زمینه‌های مشترکی که سازمانهای بین‌المللی مبادرت به اعمال صلاحیت قانونگذاری می‌نمایند عبارت‌اند از:

“آیین نامه داخلی برای ارکان مختلف

–مقررات مالی و آیین‌های حسابرسی

مقررات مربوط به کارکنان که توسط ارگان‌های عمومی وضع می‌شود و مقررات جزئی وضع شده در ارتباط با کارکنان توسط دبیر کل (مقررات مربوط به کارکنان ملل متحد طی قطع نامه ۵۹۰ مجمع عمومی و قطعنامه ۲۴۸ بتصویب رسیده است)

“عمده مقررات مهم در چارچوب سازمانهای بین‌المللی با تصمیم اکثریت نهادهای شورای آغاز می‌شود (از جمله می‌توان به مجمع عمومی ملل متحد اشاره نمود). می‌توان گفت حقوق بین‌الملل در صدد حمایت و رعایت منافع همه انسان‌ها مستقل از هر نوع انگیزه سیاسی، مذهبی دولتهای حاکم می‌باشد این مفهوم در بر گیرنده همه ی انسانها فارغ از هر جایی که زندگی می‌کنند و همچنین نسل آینده می‌باشد” (عباسی، بیژن و رستمی، مرتضی، ۱۳۹۴) برخی از اسناد مؤسس به صراحت سازمان بین‌المللی را مجاز به تصویب گونه‌های معینی از مقررات از جمله مقررات سازمانی مربوط به کارکنان و قواعد آیین نامه‌های داخلی می‌کند تنها مرجع خارج از سازمانی که می‌توان بدون مجوز صریح در اساسنامه مبادرت به وضع مقرراتی برای سازمان‌های بین‌المللی نماید، دولتهای عضو سازمان بالاتفاق است (مجامع عمومی) به این ترتیب، اگر تمامی دولتها تمایلی به انجام چنین اقدامی از طریق ارکان سازمان نداشته باشند خودشان می‌توانند از طریق انعقاد یک کنوانسیون مبادرت به اتخاذ تصمیمات لازم نمایند. “امروزه یکی از موضوعات مهم در عرصه صلاحیت قانونگذاری سازمانهای بین‌المللی این است که تمامی ارکان ذیصلاح سازمان که بر طبق اساسنامه، صلاحیت انجام این اقدامات را دارد باید در چارچوب حقوق بین‌الملل مبادرت به اعمال صلاحیتهای سازمانی نمایند.” (زمانی، ۱۳۹۵)

مفاهیم مرتبط با سازمان ملل

ریشه و اساس سازمانهای بین‌المللی را باید در نفی مشروعیت جنگ و ممنوعیت کاربرد و یا تهدید به استفاده از زور در روابط بین‌الملل، و ملازمه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی یافت از این رو، اختیارات ذاتی سازمانهای بین‌المللی محدود به اقدامات قانونگذاری و اجرایی نمی‌شود. سازمانهای بین‌المللی همچنین به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و تحکیم حق دادخواهی، از صلاحیت ایجاد نهادهای قضائی نیز برخوردارند.

“یک سازمان بین‌المللی همچنین می‌تواند دادگاه‌هایی جهت رسیدگی به اختلافات مربوط به دولتهای عضو ایجاد نماید (مانند دیوان بین‌المللی دادگستری) اما باید توجه داشت که به رغم آنکه دولتهای عضو تحت صلاحیت اجباری قانونگذاری و اجرایی سازمانهای بین‌المللی قرار دارند سازمان نمی‌تواند نسبت به آنها مبادرت به اعمال صلاحیت قضائی اجباری بدون رضایت آنها بنماید (گرچه در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی تنها عضویت کافی است)” (زمانی، ۱۳۹۵)

سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل

“سازمانهای تخصصی سازمان ملل مجموعه سازمانهایی هستند، که نهادهای وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را به پیش می‌برند این سازمانها خاستگاه‌های مختلفی دارند و برخی به موجب پیمان‌های چند جانبه میان کشورها بوجود آمده‌اند و بر پایه مفاد ۵۷ و ۶۳ منشور سازمان ملل متحد، یکی از ارکان آن شده‌اند که

عبارتند از: سازمان ملل متحد، فائو، ایکائو، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، سازمان بین‌المللی کار، سازمان بین‌المللی دریانوردی، صندوق بین‌المللی پول، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، یونسکو، یونیدو، اتحادیه جهانی پست، گروه بانک جهانی، سازمان بهداشت جهانی، سازمان جهانی مالکیت فکری، سازمان جهانی هواشناسی، سازمان جهانی گردشگری، سازمان مقدماتی سازمان پیمان فراگیر ممنوعیت آزمایش هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان بازراندگی از بکارگیری جنگ افزارهای شیمیایی، سازمان تجارت جهانی، برنامه جهانی غذا، گرچه از جهاتی این سازمانها خارج از محدوده سازمان ملل قرار دارند طوریکه اعضاء این سازمانها می‌توانند از بین کشورهای عضو یا غیر عضو باشند و هم چنین مقر این سازمانها خارج از ساختمان سازمان ملل قرار دارد ولی از نظر امور مالی و بودجه‌ای تحت نظر شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل قرار دارند. (موسی زاده، ۱۳۸۸) "شاید مهمترین ارکان اصلی نقش آفرین ملل متحد در ارتباط با توسعه پایدار را بتوان مجمع عمومی و شورای اقتصادی-اجتماعی دانست". (میرعباسی، ۱۳۹۵)

الف- جهانی بودن نظام حقوقی بین الملل

هر نهاد ارگانیک در قالب نظامی حقوقی ایجاد می‌شود و فعالیت خود را آغاز می‌نماید. نظام حقوق ملی به تنهایی و حتی با همکاری دیگر نظامهای ملی نمی‌تواند شخصیت حقوقی بین‌المللی ایجاد نماید، زیرا ماهیتاً فاقد چنین ظرفیتی هستند بر این اساس، سازمانهای بین‌المللی باید مطابق و در چارچوب حقوق بین‌الملل تشکیل شده باشد. از این رو موافقت نامه‌هایی که میان دولتها برای تشکیل یک پایگاه قدرت، طبق حقوق داخلی یک یا چند دولت منعقد می‌شوند. یک سازمان بین‌المللی را ایجاد نمی‌کنند، حتی اگر سازمان، ارگانی باشد که در قبال آن دو دولت (اشتراکی) پاسخگو باشند.

"فرض بر این است که موافقت نامه‌های بین‌المللی وفق حقوق بین‌الملل منعقد می‌شوند بنابراین، فقط هنگامی سازمان، نهاد بین‌المللی قلمداد نخواهد شد که موافقت نامه منعقد، آشکارا تصریح کند سازمان طبق حقوق بین‌الملل ایجاد نشده است". (زمانی، ۱۳۹۵)

ب- شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی

یکی از عناصر سازمانهای بین‌المللی آن است که سازمان باید در اصل از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار باشد و یا به تعبیر دیگر دست کم یک ارگان مستقل از اعضاء داشته باشد سازمان بین‌المللی معمولاً بعنوان یک شخص حقوقی تشکیل می‌شود، این بدان معنا است که سازمان ذی ربط، دارای اهلیت برخوردار از حقوق و تکالیف بین‌المللی است البته در شرایط استثنایی ممکن است سازمانی بین‌المللی بدون برخوردار از چنین اهلیتی ایجاد شود این قید در مورد شخصیت حقوقی، سازمان بین‌المللی را از کنفرانس‌های بین‌المللی و نیز ارگان‌های صرفاً معاهده‌ای متمایز می‌کند ارگان‌های معاهده‌ای عموماً از طریق معاهداتی ایجاد می‌شوند که متمایز از اسناد مؤسس یک سازمان بین‌المللی است هدف اصلی این معاهدات نه صرفاً ایجاد یک سازمان بین‌المللی، بلکه وضع مقررات مختلف

و در کنار آنها ایجاد یک نهاد نظارتی است. در این مورد از جمله می توان به کمیته حقوق بشر، دیوان اروپایی حقوق بشر، اجلاس معاهدات چند جانبه کنترل تسلیحات اشاره کرد.

این نهادها معمولاً در ساختار یک سازمان بین المللی از قبل موجود قرار داده می شوند و ممکن است از خدمات اجرائی و جایگاه سیاسی و دیگر اشکال پشتیبانی آن بهره مند گردند. ارگان دارای اراده مستقل، می تواند متشکل از نمایندگان دو یا چند عضو سازمان باشد اما نباید به دولتهای ذی ربط وابسته باشد برای مثال مجمع عمومی که اصولاً در هر سازمان بین المللی بعنوان رکنی متشکل از تمام اعضا وجود دارد از منظر حقوقی رکن سازمان بین المللی، و نه نهاد وابسته به دولتهای عضو قلمداد می شود حتی در مورد شورای امنیت سازمان ملل متحد که هر یک از پنج عضو دائم آن به تنهایی قادر است با استفاده از حق وتو راه اتخاذ تصمیم شورا را مسدود نماید باز هم به لحاظ حقوقی شورا صرفاً رکن سازمان ملل است و نه تنها وابسته به دولتهای ذی ربط. وحدت و یکپارچگی سازمان و انفکاک شخصیت حقوقی سازمان از اعضا در این قالب معنا می یابد از سوی دیگر صرف اختصاص وظیفه به یک ارگان ملی، از طریق موافقتنامه، ارگان یاد شده را به یک سازمان بین المللی مبدل نمی سازد. نهادهایی که کاملاً وابسته به یک دولت یا چند دولت است، سازمان بین المللی قلمداد نمی گردد. این شرط که سازمان باید دارای یک ارگان با اراده مستقل باشد، سازمانها را از معاهدات دو یا چند جانبه و نیز کنفرانسهای بین المللی متمایز می کند، زیرا در موارد اخیر، اعضا اراده مشترکی ابراز می کنند اما همچنان اراده آنها محدود باقی می ماند و به ایجاد یک نهاد جدید منتهی نمی شود. "در مجموع، سازمان بین المللی دو ویژگی متمایز دارد که عبارت اند از: ۱- دارا بودن تشکیلات، ارگان دائمی و بودجه مجزا که اگر سازمان فاقد آن باشد کنفرانس نامیده می شود. ۲- استقلال و خودگردانی سازمان که تا حد زیادی آن را از نهادها و مؤسسات دولتهای عضو متمایز می سازد". (زمانی، ۱۳۹۵: ۵۲-۵۰) بدون تردید در خصوص بین الملل معاصر علاوه بر دولتها، نمی توان نقش سازمانهای بین المللی را نادیده انگاشت دولتها با گذر زمان به منظور پیگیری اهداف خود و در راستای منفعت عمومی، اقدام به ایجاد سازمانهای متعددی نمودند موضوعی که حکایت از این دارد که دولتها تأثیرگذاری این بازیگر حقوق بین الملل و مشارکت آنها در فضای حقوق و سیاسی بین المللی را پذیرفته اند و به تدریج با افزایش حضور سازمانها، موضوع مسئولیت آنها به دلیل ارتکاب اعمال متخلفانه بین الملل مطرح گردید مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ی ۸۲/۵۶ (دسامبر ۲۰۰۱) از کمیسیون حقوق بین الملل درخواست نمود که کار بر روی موضوع، مسئولیت سازمانهای بین المللی را آغاز نماید. " (حمید الهویی نظری و عقیل محمدی، ۱۳۹۶)

ج- مزایا و مصونیت های سازمانهای بین المللی

اقدامات و فعالیت های سازمانهای بین المللی اصولاً در قلمروی صورت می پذیرد که تحت سیطره حاکمیت ملی است از این رو، همواره این نگرانی وجود دارد که در کشور محل استقرار یا فعالیت سازمان، نهادهای عمومی و یا اشخاص خصوصی به انحای مختلف متعرض سازمان شوند این احتمال در مورد نهادهای عمومی دارای امکانات قضائی و اجرائی بیشتر است. اعطای مزایا و مصونیت ها به سازمانهای بین المللی، سپری حمایتی از آنها در قبال

مداخلات مقامات و مراجع ملی ایجاد می‌کند و مانع طرح مسئولیت آنها نزد دادگاه‌های داخلی می‌شود اما آیا این امر باعث نمی‌شود که دولتها از این منزلت سازمانهای بین‌المللی به واهمه افتند و عطای استقرار یا فعالیت سازمان در قلمرو خود را به لقای آن ببخشند اگر نه این چنین است چگونه میتوان میان مسئولیت و مصونیت سازمان موازنه ای پدید آورد که در بستر آن منافع ملی دولت ذی ربط و نیز منافع بین‌المللی سازمان و دیگر اعضای آن همگی تضمین شوند؟ (زمانی، ۱۳۹۵)

“اعطای شخصیت حقوقی داخلی به سازمان بین‌المللی که سرزمینی خاص خود ندارد و ناگزیر است که در سرزمین دولتهای عضو انجام وظیفه کند امری ضروری است” (فلسفی، ۱۳۸۲) “اصل مصونیت قضائی در مقابل دادگاه‌های داخلی ابتدا در حوزه روابط دولتها پدیدار گشته است طبق این اصل دادگاه‌های داخلی از اعمال صلاحیت در مورد اعمال دولتهای خارجی ممنوع اند” (عبداللهی، ۱۳۸۲) “حقوق ناظر بر مصونیت دولت، برای هماهنگی با واقعیت‌های اقتصادی حیات امروز تغییرات زیادی بخود دیده و مشارکت فزاینده دولتها در حیات اقتصادی موجب شده است که نظریه مصونیت مطلق دولتهای خارجی جای خود را به نظریه مصونیت نسبی بدهد بر اساس این نظریه، دولت فقط در مورد اعمال حاکمیت خود مصونیت دارد اما تا آنجا که به اعمال تصدی آن مربوط می‌شود باید بر صلاحیت کشور مقرر دادگاه گردن‌نهد” (حقوق بین‌الملل اقتصادی، ۱۳۹۱)

کمیته حقوقی سازمان ملل

“موضوع تدوین حقوق بین‌الملل کیفری یعنی نظام حقوقی که بتواند نظم عمومی در عرصه بین‌الملل را در برابر بزهکاران تأمین کند از دهه میانی قرن نوزدهم میلادی در مراکز علمی و دانشگاهی مورد توجه قرار گرفت در این میان تلاش‌های اتحادیه بین‌الملل حقوق کیفری و سپس انجمن بین‌المللی حقوق کیفری در زمینه تدوین طرح‌های گوناگون درباره قانون بین‌الملل جزا و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را می‌توان نخستین تلاش‌ها در این رهگذر دانست”. (قاسمی، ۱۳۹۱) در نوامبر ۱۹۴۹، مجمع عمومی سازمان ملل به موجب قطعنامه شماره ۱۷۴ با تأسیس کمیته حقوق بین‌الملل سازمان ملل موافقت و اساسنامه آنرا به تصویب رسانید این کمیته به اندازه ای مهم و فعال است که می‌توان گفت، بسیاری از معاهدات بین‌المللی مطرح، به همت اعضا این کمیته طراحی و تدوین می‌شوند این کمیته دارای ۳۴ عضو می‌باشد که از سوی کشورهای جهان کاندید و نهایتاً از سوی مجمع عمومی ملل متحد انتخاب می‌گردند.

“کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در راستای وظایف خود در تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولتها را در سال ۲۰۰۱ تصویب کرد اگر چه در ابتدا بحث مسئولیت سازمانهای بین‌المللی نیز در چاقوب همین طرح مورد توجه قرار گرفت اما سرانجام تصمیم گرفته شد این موضوع در قالب طرحی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد این کار از سال ۲۰۰۲ شروع و در ۲۰۱۱ مجموعه ای از ۶۷ ماده به همراه تفاسیر مربوطه بصورت طرح پیش نویس تصویب و در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت” (سید مهدی رضوی حاجی آقا و مجتبی بابایی، ۱۳۹۶)

الف-ارتباط کمیته حقوقی با سازمان ملل

بر اساس ماده ۵۷ منشور ملل متحد سازمانهای تخصصی، سازمانهایی می باشند که بر اساس انعقاد قرارداد، فی مابین کشورها بوجود آمده و در موارد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره دارای صلاحیتهای گسترده ای می باشند، کمیته حقوق بین الملل برای انجام این مهم بطور ادواری پیش نویس اسنادی را بصورت متن معاهده بین المللی و یا گزارشهای توجیهی تنظیم و در اختیار مجمع عمومی سازمان ملل قرار می دهد.

بر اساس مقدمه بخش اول از ماده نخست اساسنامه این نهاد، هدف اصلی کمیسیون حقوق بین الملل، توسعه و تدوین حقوقی بین الملل می باشد. توسعه و تدوین تدریجی حقوق بین الملل که یکی از مهمترین مأموریت های مجمع عمومی سازمان ملل متحد می باشد نقش بسیار مهمی در تحکیم و پایداری صلح و استقرار حکومت قانون در جامعه بین الملل دارد.

بر اساس ماده ۱۳ منشور سازمان ملل متحد، مجمع عمومی نسبت به ترویج همکاری بین الملل در امور سیاسی و ایجاد زمینه های مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه هایی را فراهم می کند.

ب-ارتباط کمیسیون حقوقی با سایر سازمانهای بین المللی

با مساعدت و پیگیری سازمان ملل متحد، بخصوص مجمع عمومی، مجموعه ای گسترده از معاهدات بین المللی که پیش نویس و تدوین آنها توسط کمیته حقوق سازمان ملل انجام گردیده است، بوجود آمده است. معاهداتی در حوزه های فضای ماوراء جو، دریاها و اقیانوسها، روابط دیپلماتیک و کنسولی، سازمانهای بین المللی مبارزه با تروریسم، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بین المللی کیفری، حقوق معاهدات، مصونیت قضائی دولتها و تعداد دیگری از موارد که به موجب قراردادهای منطقه ای و در سطح بین الملل برای حفظ صلح و امنیت بین الملل انجام می گیرد دال بر اهمیت و ارتباط گسترده کمیته حقوق بین الملل با سایر سازمانهای بین المللی است. در ماده ۱۵ اساسنامه کمیسیون حقوق بین الملل آمده است:

«تهیه پیش نویس معاهده در زمینه مسائل تعریف شده که هنوز توسط حقوق بین الملل به نظم در نیامده و یا در مورد آنها حقوق هنوز به اندازه کافی در رویه کشور توسعه نیافته است» لذا از جمله وظایف کمیسیون حقوق بین الملل تدوین و توسعه قوانین بین المللی است.

تدوین قوانین بین المللی

تدوین قوانین از جمله وظایف محوله به کمیته حقوقی سازمان ملل می باشد که توسط حقوقدانان این کمیته اقدام به پیش نویس قوانین در زمینه مورد نظر می باشد که پس از تهیه پیش نویس و جهت جمع بندی می بایست به کلیه کشورهای عضو (مشمول) ارسال شود سپس جمع آوری نقطه نظرات و دوباره کار اصلاح و بازنویسی توسط کمیته حقوقی انجام می گیرد و سپس برای مطالعه و اظهار نظر به کشورهای عضو ارسال می شود تا چنانچه نقطه نظر

اصلاحی دارند اعلام و این رفت و برگشت تا زمان رسیدن به یک وفاق جمعی ادامه می‌یابد در انتها کمیته پیش نویس نهایی را برای طرح در مجمع عمومی آماده می‌نماید و به رأی اعضای مجمع عمومی قرار می‌گیرد.

«به موجب ماده ۱۳ منشور، مجمع عمومی زمینه‌های مناسب برای تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل را ایجاد خواهد کرد که مجمع در سال ۱۹۴۷ با تأسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل این وظیفه را بعهدہ کمیسیون مذکور گذاشت.» (موسی زاده، ۱۳۸۸) «اعضای کمیسیون به نمایندگی دولت خود در آن کمیسیون حضور ندارند بلکه با توجه به صلاحیت علمی شان انتخاب می‌شوند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل به دو شیوه متفاوت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل نمی‌تواند رأساً از طریق پیشنهادات و طرح‌هایی که کمیسیون ارائه می‌دهد، انجام گیرد بلکه طرح‌های مربوط باید از سوی مجمع عمومی (طبق ماده ۱۱۶ اساسنامه کمیسیون) به آن ارجاع شود لیکن، در مورد تدوین، کمیسیون خود می‌تواند رأساً عناوینی را جهت بررسی انتخاب کند البته لازم به ذکر است که در این مورد نیز کمیسیون باید (طبق ماده ۱۸ اساسنامه کمیسیون) درخواست مجمع عمومی را در پرداختن به هر موضوع جهت تدوین مقدم شمارد، کمیسیون برای هر دو نوع کار (توسعه و تدوین) از روش مشابهی تبعیت می‌کند یک مخبر ویژه برای هر موضوع منصوب می‌شود طرح مناسبی نیز برای کار تنظیم می‌شود و از دولتها درخواست می‌شود متن قوانین، فرامین و تمهیدات و تصمیمات قضائی، معاهدات و مکاتبات دیپلماتیک مربوط به موضوع مطروحه را اراده کنند مخبر ویژه گزارشی تقدیم می‌کند که کمیسیون بر اساس آن طرح موقتی را تصویب می‌کند. به موجب رویه جاری معمولاً به دولتها یک سال مهلت داده می‌شود تا طرح موقت ارسالی را بررسی کرده، نظر کتبی خود را ارائه کنند مخبر ویژه پاسخ‌های دریافتی را همراه با نظرات مطروحه در مباحث کمیته ششم بررسی کرده، گزارش دیگری منبئ بر توصیه تغییرات مقتضی در طرح موقت تسلیم می‌کند آنگاه کمیسیون بر مبنای گزارش و نظرات مزبور، طرح نهایی را به تصویب می‌رساند. همراه با توصیه در مورد اقدام بعدی به مجمع عمومی تسلیم می‌کند.» (موسی زاده، ۱۳۸۸)

توسعه پایدار زیست محیطی

«در این پژوهش بخشی از مفاهیم و معنای بکار گرفته شده که کاربرد اساسی در تبیین و تفهیم مطلب دارند شامل: توسعه، توسعه پایدار، محیط‌زیست، پایداری در توسعه و حقوق مرتبط به بشر که تحت لوای توسعه یافتگی و شاخص‌های توسعه یافتگی در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته اما با تعریفی حقیقی از مفاهیم روبرو خواهیم شد» (میر عباسی، ۱۳۹۵) لذا فهم و درک بهتر از «توسعه پایدار» نیازمند معنا و فهم مشترک از اصطلاح «توسعه» می‌باشد که وفق مقدمه اعلامیه حق بر توسعه، توسعه را چنین تعریف می‌کند:

«توسعه یک فرآیند همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف از آن بهبود مستمر رفاه کل جمعیت و همه افراد بر مبنای مشارکت فعال، آزادانه و مفید آنها در تقسیم عادلانه منابع حاصل از آن است.» (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۰) «از سال ۱۹۹۲، تنش میان نگرش‌های زیست محیطی و توسعه به عنوان یک عنصر اصلی در روند قانون بین‌المللی بوده است که منجر به تصویب معاهدات و ابزارهای بین‌المللی در زمینه توسعه پایدار گردیده است

این ابزارها نشان می دهد که آشتی بین محیط‌زیست و توسعه به اسانی قابل دستیابی نیست و بنظر می رسد به نفع محیط‌زیست خواهد بود. لذا به بررسی برخی اصول و مفاهیم، قوانین حقوق بین الملل و همچنین برخی از تحولات جدید در این زمینه می پردازیم که ممکن است تمایل به حذف شرایط و مداخلات منصفانه ای از تکامل و کاربرد تعداد زیادی از تعهدات دولتها در زمینه حفاظت از محیط منجر شود. این استدلال وجود دارد که حفاظت از محیط‌زیست تا حدودی مربوط به هزینه‌های مالی بین‌المللی برای توسعه باشد. جهت حصول نتیجه، حداقل سه عنصر وجود دارد، یکی حرکت به سمت مشارکت بیشتر جامعه مدنی فراملی در روند قانون بین‌المللی محیط‌زیست، دیگر استفاده از یک زبان حقوقی و وظایفی که به جنبه‌های توسعه ای برای پیشگیری از آسیب زیست محیطی، مؤثر و دخیل هستند و در آخر ایجاد جذابیت یک حق برای محیط‌زیست سالم". (ximena fuetes.2002)

زمینه پیدایش توسعه پایدار

هر چند در حال حاضر تأکید و تمرکز اولیه در تعاریف کشورهای شمال از مفهوم پایداری بر محیط‌زیست فیزیکی و در کشورهای جنوب برعکس بر موضوعات اقتصادی و اجتماعی است اما هر دو دسته کشورها بر سر اهمیت مسئله محیط‌زیست در توسعه پایدار توافق دارند و اختلاف بر سر میزان و نوع در نظر گرفتن آن است. برای بدست آمدن و رسیدن به پایداری حفاظت و بهبود منابع زیست محیطی مثل آب و هوای پاک، جنگلها، خاک و تنوع ژنتیکی لازم است تغییرات بسیار مهمی نیز در سیاستها صورت پذیرد. تا در حالیکه سطح بالای مصرف در کشورهای صنعتی هنوز باقی است مطمئن شویم که کشورهای در حال توسعه قادرند مقدماتاً به سطوح حداقل لازم مصرف برسند و در عین حال با وجود مشکل افزایش جمعیت در این کشورها به محیط‌زیست آنها حداقل آسیب برسد و این مسئله مهم و بسیار پیچیده ای است و مسئولیت اخلاقی، در مقابل مسائل آینده ایجاب می کند که آن را حل کنیم در حالیکه به قول یک مقام بانک جهانی، مقیاس اقتصاد انسانی چنان عظیم شده است که در کشتی نوح دیگر جای کافی برای تمام گونه‌ها وجود ندارد.

در کنفرانس «ریو+۲۰» موضوع توسعه پایدار مطرح گردیده و مباحثی از قبیل توسعه اقتصادی و توسعه و عدالت اجتماعی به عنوان عناصر این توسعه مورد بحث شرکت کنندگان قرار گرفت و در کنفرانس سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار اسناد و مدارک فراوانی در سطح بین‌الملل منتشر گردید آنچه مهم است توسعه بایستی پایدار باشد و پایداری توسعه یکی از اصول پیشرفت است.

بررسی توسعه یافتگی

گرچه پیش از بررسی توسعه یافتگی می بایست به تعریف توسعه اقدام نمود اما از آنجائیکه تعریف واژگان در علوم کار دشواری است لذا با عنوان مصادیق و نمونه‌ها و کمک گرفتن از مفاهیم نزدیک به موضوع سعی در بیان مسئله می شود لذا واژه توسعه هم مشمول همین غامض بودن در تعریف است از نظر لغوی در لغت نامه دهخدا به مفهوم توسعه دادن و توسعه یافتن آمده است و دکتر محمد معین به معنای فراخ کردن و گشاد گردانیدن آمده است و صرف نظر از واژگان شناسی وقتی به توسعه یافتگی می پردازیم برداشت ما در همه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی است و وقتی کشوری را توسعه یافته می‌دانیم به این مفهوم است که آن کشور یک کشور به اصطلاح پیشرفته از لحاظ اقتصادی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.

مبانی و مفهوم توسعه پایدار

«با توضیح شرایط توسعه نیافتگی می‌شود به مفهوم توسعه پایدار کمی نزدیک شد چرا که توسعه نیافتگی وضعیت و شرایطی است که نتیجه ناهماهنگی بین عوامل اقتصادی و فن آوری کاربردی، امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست آنچه سبب می‌شود کشوری را به عنوان «توسعه نیافته» مشخص کنیم آن است که در آن کشور، مجموعه بی‌شماری از شرایط نامطلوب برای کار کردن و زیستن وجود دارد محصول و درآمد و سطح زندگی پایین است بسیاری از روش‌های تولیدی و همچنین رویه‌ها و الگوهای رفتاری، نا مساعد است. ویژگی‌هایی که برای توسعه نیافتگی می‌توان بر شمرد، عبارتند از کافی نبودن خواربار، کمبود شدید بهداشت مردم، بی‌سوادی اکثریت، شیوع بیماری و مرگ و میر بیش از حد کودکان، غفلت از منابع یا اتلاف آنها، رواج کشاورزی کم برداشت» (ازکیا، ۱۳۸۰) لذا مبانی توسعه همان کنترل بیماری‌ها، رفاه اجتماعی، سطح بالای بهداشت، استفاده از تکنولوژی برتر، رشد اقتصادی بالا و درآمد نسبی، آموزش همگانی و دسترسی به آموزش عالی، عدالت اجتماعی و توسعه فرهنگ و آزادی‌های مدنی است. واژه پایدار امروزه به طور گسترده‌ای به منظور توصیف جهانی که در آن نظام‌های انسانی و طبیعی توأم تا آینده‌ای دور ادامه حیات دهند به کار گرفته می‌شود. توسعه پایدار به معنی آرایه راه‌حلهایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می‌باشد. که بتواند از بروز مسائلی همچون نابودی منابع طبیعی تخریب سامانه‌های زیستی، آلودگی جهانی تغییر اقلیم، افزایش بی‌رویه جمعیت بی‌عدالتی و پایین آمدن کیفیت زندگی انسان‌های حال و آینده جلوگیری کند. بنابراین توسعه پایدار تحولی است مواجه با تامین نیازهای ضروری بدون از بین بردن قابلیت‌های نسل آینده در تامین نیازهایشان، در واقع یک تحول زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصت‌ها باشد. این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی اقتصاد و امنیت اجتماعی است و پیشرفتهای اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان دراز مدت حفظ پایه‌های طبیعی زندگی باشند. (رحیمی، ۱۳۸۲) و در عین حال به دقت و با استفاده از روشهای تخصصی مراقب باشیم تا از تخریب سرمایه‌های زیست محیطی تا حد امکان جلوگیری شود. (کلاتر، ۱۳۸۳) بنابراین بمنظور دستیابی به توسعه پایدار راهبردها و اصول چهارگانه رعایت شوند:

۱) بکارگیری و پایدار ساختن مصرف منابع تجدید پذیر

۲) بهینه سازی و ممیزی استفاده از منابع تجدید ناپذیر و به حداقل رساندن مصرف منابع طبیعی به تناسبی کمتر از آنچه رشد طبیعی آنها

۳) حداقل تولید ضایعات و آلودگی‌ها که قابل جذب در مقیاس و ظرفیت محیط محلی تا جهانی باشد.

۴) تامین نیازهای پایه ای انسان و اجتماع و ایجاد محیطی سالم برای نسل‌های آینده.

اما در مورد جایگاه حقوق توسعه پایدار باید گفت که از نظر اندیشمندان معاصر یک وضعیت مبهم حقوقی دارد بویل و بیرینی معتقدند که نمی توان گفت که این قاعده بین الملل است اما آنها نیز حمایت گسترده بین المللی از توسعه پایدار را به عنوان مفهوم اصلی حقوق بین الملل محیط زیست می شناسند و اظهار می دارد که، واضح است تعداد کمی از دولت ها در این پیشنهاد اختلاف دارند که توسعه بایستی پایدار باشد و اینک هم منابع طبیعی علی الاصول باید بدین شیوه مدیریت شوند این دلیل که با شاخص های حمایتی رویه دولت ها همراه می گردد ممکن است کافی باشد که اجماع حقوقدانان را به یک استاندارد معمولی حقوق بین الملل یا حتی به یک قاعده نهایی حقوق بین الملل تبلور بخشد.

انسان، کودکان، زنان، محیط زیست و فرهنگ از مؤلفه های توسعه پایدار به شمار می روند این اصل پذیرفته شده که دگرگونی اجتماعی و حرکت به سوی مطلوب نباید به بهای قربانی شدن فرهنگها به دست آید.

شاخص های توسعه پایدار

توسعه دارای انواع و گونه هایی است، از جمله توسعه اجتماعی، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه آموزشی، توسعه مدیریتی، توسعه انسانی، توسعه فرهنگی اما سلسله مراتب اجزاء توسعه یافتگی چندان به ثبوت نرسیده است گر چه در مقام دفاع می شود یکی را زیر ساخت و زمینه بوجود آمدن و یا استمرار و بقای دیگری دانست و در بعضی مواقع هم به دور و تسلسل بر خورد می کنیم. اما آنچه مقبول همگان است "همگی دارای ارزشی همسان و لازم" (صدوق، ۱۳۸۰) برای توسعه یافتگی بخصوص توسعه پایدار است.

انواع توسعه

"واژه پایدار امروزه به طور گسترده به منظور توصیف جهانی که در آن نظامهای انسانی و طبیعی توأماً در آینده ای دور ادامه حیات دهند بکار گرفته می شود و به معنای ارائه راه حلهایی در مقابل الگوهای فانی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه می باشد که بتواند از بروز مانعی همچون نابودی منابع طبیعی تخریب سامانه ی زیستی، آلودگی جهانی، تغییر اقلیم، افزایش بی رویه جمعیت، بی عدالتی، و پایین آمدن کیفیت زندگی انسانهای حال و آینده جلوگیری کند لذا این توسعه پایدار تحولی است مواجه با تأمین نیازهای ضروری بدون از بین بردن قابلیت های نسل آینده در تأمین نیازهایشان، در واقع یک تحول زمانی پایدار است که محافظ محیط و مولد فرصتها باشد، این تحول نیازمند پیوند ناگسستنی میان اکولوژی اقتصادی و امنیت اجتماعی است و پیشرفتهای اقتصادی و شرایط زندگی اجتماعی باید در تطابق با جریان دراز مدت حفظ پایه های طبیعی زندگی باشند". (رحیمی، ۱۳۸۲) "در عین حال با دقت و با استفاده از روش های تخصصی مراقب باشیم تا از تخریب سرمایه های زیست محیطی تا حد امکان جلوگیری شود". (کلانتر، ۱۳۸۳)

توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی فرآیندی پیچیده می باشد که یکی از عوامل آن رشد اقتصادی است در تعریف توسعه اقتصادی بیان نموده اند: "توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری که برای جلوگیری از فقر،

ضروری باشد، کاهش دامنه فقر عمومی، بیکاری و نابرابری ملازم با توسعه اقتصادی هستند. (دورتز-پیتر، ۱۳۵۶) که از تعریف مذکور می‌توان برداشت کرد که توسعه اقتصادی به معنای بکارگیری علوم و فنون جدید و بهره‌برداری حداکثری از منابع و توزیع موقعیتها بین افراد جامعه جهت برقراری تعادل و جلوگیری از ایجاد طبقات اجتماعی با فواصل زیاد، "در مجموع می‌توان گفت که توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن شالوده‌های کاهش نابرابری اقتصادی و تغییر در زمینه‌های تولیدی، توزیع و الگوهای مصرف جامعه خواهد بود." (صدوق، ۱۳۸۰) دیدگاه کشورهای توسعه یافته به سیاست‌های پایدار و اصولی در به حداکثر میزان بازدهی در تولید و توسعه از طریق آزادسازی فعالیتهای اقتصادی بین‌الملل است از آنجائیکه کشورهای توسعه یافته از لحاظ اقتصادی نیز پیشرفت قابل توجهی در مقایسه با سایر کشورها دست یافته‌اند لذا تا حدودی در محدوده حاکمیت آنها شاهد کاهش نسبی خطرات زیست محیطی هستیم.

توسعه اقتصادی و تجاری بویژه در سطح بین‌المللی وابستگی نزدیکی با یکدیگر دارند لذا کشورهای در حال توسعه به منظور پیشرفت امور اقتصادی خود تلاش نموده‌اند با گسترش حمل و نقل و خطوط دریایی ناوگان‌های تجاری مناسب با نیازشان را در اختیار بگیرند.

توسعه اجتماعی

این واژه رابطه نزدیک و تنگاتنگ با نوع و روش زندگی مردم اجتماع دارد و در ابعاد ملموس متناظر با تغییرات سطح رفاه زندگی عموم مردم و در رابطه مستقیم افزایش مطلوبیت در زمینه‌های کاهش فقر، بهداشت، مسکن، آموزش و چگونگی گذران فراغت است "منظور از توسعه اجتماعی، شکل‌های متفاوت کنش متقابلی است که در یک جامعه خاص همراه با توسعه تمدن رخ می‌دهد توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی، جنبه‌های مکمل و پیوسته یک پدیده‌اند و هر دو نوع الزاماً به ایجاد وجود تمایز فزاینده جامعه منجر می‌شود." (میرعباسی، ۱۳۹۵) "توسعه اجتماعی در مقایسه با توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی، حوزه وسیع تری را در بر می‌گیرد و نیز به شدت در موارد متعدد با هم همپوشانی دارند." (میرعباسی، ۱۳۹۵)

توسعه سیاسی

"مفهوم توسعه سیاسی پس از جنگ بین‌الملل دوم در ادبیات توسعه مطرح گردید که حوزه مهمی را در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تشکیل می‌دهد، در یک دیدگاه، توسعه سیاسی، ایجاد شرایط سیاسی و حکومتی لازم برای تحقق کارایی اقتصادی بیشتر است. مفهوم دیگری از توسعه سیاسی یا به زمامداری تأکید می‌ورزد و با افزایش و کارایی اجرایی و ظرفیت بیشتر در انجام سیاست‌های عمومی همراه می‌شود." (میرعباسی، ۱۳۹۵) "تعریف دیگری از توسعه سیاسی با درجه توسعه بر اساس میزانی که الگوهای رفتاری «نوین» بر الگوهای رفتاری «سنتی» پیش می‌گیرند ارتباط پیدا می‌کند مفهوم چهارم توسعه سیاسی با آزمون کارایی کلی همه نظام و ظرفیت اداره حکومت و جامعه به عنوان یک کل همراه است در دیدگاه پنجم توسعه سیاسی را ایجاد یک دولت، ملت با کارایی مؤثر در دنیای جدید تعریف می‌کنند." (فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ۱۳۷۰) مشارکت توده‌ای، وجود نظام‌های چند حزبی،

رقابت‌های انتخاباتی، ثبات سیاسی و پرهیز از تنش در ساختار سیاسی را شاخص‌های توسعه سیاسی معرفی می‌کنند. در مجموع، توسعه سیاسی، فرآیندی است که زمینه لازم را برای نهادینه کردن شکل‌ها و مشارکت سیاسی عمومی فراهم می‌کند که پیامد آن، افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است.

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

حقوق محیط‌زیست، ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است این حقوق در تعیین خط مشی‌ها و اقدامات حفاظتی محیط‌زیست و هم‌چنین استفاده عاقلانه و پایدار از منابع طبیعی مؤثر است. نقش محیط‌زیست در زندگی بشر بسیار حیاتی است و "اصل احتیاط از مهمترین اصولی است که در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسعه یافته است و از آن به عنوان یکی از ارکان مهم بازدارندگی یاد می‌شود، بر اساس اصل مذکور، دولت‌ها تنها زمانی می‌توانند به عملی اقدام نمایند که عمل آنها علت تامه ورود خسارت غیر قابل جبران به محیط‌زیست تلقی نگردد" (آرش پور، علیرضا و نبافی، فرشته، ۱۳۹۶) این رشته از حقوق در سالهای اخیر توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته و طی دو دهه گذشته، بیش از یکصد معاهده چند جانبه در خصوص موضوعات زیست محیطی مانند تنوع گونه‌های آلودگی دوربرد برون مرزی هوا، حقوق دریاها، تغییرات آب و هوا، بیابان زدایی و حفظ مواریث طبیعی و فرهنگی جهان منعقد شده است و هم‌چنین تعداد زیادی موافقت‌نامه‌های زیست محیطی در سطح منطقه‌ای یا بصورت دوجانبه تنظیم و مورد توافق قرار گرفته است علاوه بر این‌ها چندین اعلامیه و منشور غیر الزام آور (soft law) در خصوص محیط‌زیست مانند منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲ راجع به محیط‌زیست و توسعه، نشر یافته است. در سطح ملی نیز، بر مبنای حمایت‌های فزاینده افکار عمومی، دولت‌های جهان به سرعت در راستای اصلاح یا افزایش قوانین داخلی و آیین‌نامه‌های اجرائی و ضوابط اداری در جهت تقویت مدیریت زیست محیطی گام برداشته‌اند. با وجود این همه تحول سریع، مشکلات بسیاری در خصوص چگونگی اجرای اقدامات قانونی همچنان باقی است، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهایی که قبلاً تحول اقتصادی را پشت سر گذاشته‌اند، اجرای مقررات زیست محیطی اغلب به دلیل کمبود تجهیزات و نیروی انسانی کارآمد، با دشواری فراوان همراه است به همین دلیل علت اثر گذاری برنامه‌های زیست محیطی در این گونه جوامع با مانع روبرو است". (AGENDA) تحکیم و اجرای ابزارها و مکانیزم‌های حقوقی یکسانی از اهداف عمده دستور کار ۲۱ است همچنین اصول یازدهم و سیزدهم اعلامیه ریو، در خصوص اهمیت قوانین زیست محیطی از جمله مواردی هستند که بعنوان ابزاری ضروری برای دستیابی به منافع توسعه پایدار تأکید دارند. "برنامه آموزشی زیست محیطی سازمان ملل متحد، توجه خود را به گونه‌ای روز افزون به تعلیم و تربیت نیروی متخصص در رشته حقوق محیط‌زیست معطوف نموده است، و با بهره‌گیری از تلاش‌های تکمیلی دیگر سازمان‌های هم‌سو، دست به آموزه‌های کاربردی در این باب زده است از آن جمله به کمک یونپ و اتحادیه حفاظت جهانی اقدام به تدارک دوره‌های مکاتبه‌ای و انتشار مقالاتی در زمینه‌های مختلف حقوق محیط‌زیست نموده است و مطالب ارائه شده برای آموزش کادر دولتی، دانشگاهی، حقوقدانان، قضات و برنامه‌ریزان سازمانهای غیر دولتی قابل بهره‌برداری و استفاده است". (حقوق محیط‌زیست، ۱۳۸۱)

تعریف حقوقی از آلودگی محیط‌زیست

در مورد جایگاه حقوق توسعه پایدار باید گفت که از نظر اندیشمندان معاصر یک وضعیت مبهم حقوقی دارد بویل و بیوینی معتقدند که نمی‌توان گفت که این قاعده بین‌الملل است اما آنها نیز حمایت گسترده بین‌المللی از توسعه پایدار را به عنوان مفهوم اصلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌شناسند و اظهار می‌دارد که، واضح است که تعداد کمی از دولتها در این پیشنهاد اختلاف دارند که توسعه باید پایدار باشد و اینک منابع طبیعی علی‌الاصول باید بدین شیوه مدیریت شوند، این دلیل که با شاخص‌های حمایتی رویه دولتها همراه می‌گردد ممکن است کافی باشد که اجماع حقوقدانان را به یک استاندارد معمولی حقوق بین‌الملل یا حتی به یک قاعده نهایی حقوق بین‌الملل تبلور بخشد. "در کل سه راه حل استراتژیک برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست ناشی از توسعه پیشنهاد شده است، حفظ ساز و کارهای محیط‌زیست و نظامهای حفظ حیات، حفظ گوناگونی ژنتیک و بهره‌برداری پایدار از گونه‌های جانداران و اکوسیستمها" (ecosystem) به مجموعه‌ای از عناصر بهم پیوسته که در راه نیل به هدف خاص با یکدیگر هماهنگ باشند گفته می‌شود).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در جهان کنونی بدلیل حساسیت و آگاهی عمومی نسبت به محیط‌زیست و آثار زیانبار ناشی از آلودگی محیط‌زیست و احتمال حدوث فاجعه گسیخته شدن رشته حیات موجودات و جانداران و برهم خوردن اکوسیستم کره خاکی که جملگی سبب نگرانی مردم جهان شده است لذا شاهد تشکیل گروه‌هایی‌های داخلی، بین‌المللی، منطقه‌ای متعدد و اجلاسهای رسمی توسط دولتها و شرکتهای غیر دولتی در سراسر جهان هستیم تا بر سر مخاطرات قریب الوقوع محیط‌زیست بحث و بررسی شود و در این خصوص چاره‌اندیشی گردد و راه‌های مناسبی برای جلوگیری از روند رو به رشد آلودگی‌های زیست محیطی و طرق بر طرف کردن معضلات اندیشیده شود.

"از این روز بدون تردید موضوع محیط‌زیست یکی از مهمترین مسائل کنونی جهان است بنابراین باید حمایت از آن را نیز در یک گستره فراگیرتر از حمایت جزائی مطمح نظر قرار داد و این امر سبب می‌شود که اولاً از «حساسیت جنایی» به جای «سیاست کیفری» استفاده شود و ثانیاً از «پاسخ» که دارای مفهومی گسترده‌تر از «واکنش» است بهره‌جست، زیرا بنا بر تعریف نوینی که پرفسور می‌ری دلماس مارتی از سیاست جنایی ارائه کرده است، سیاست جنایی شامل «کلیه شیوه‌ها اعم از کیفری و غیرکیفری می‌شود که هیأت جامعه با توسل به آنها، به پدیده مجرمانه پاسخ می‌دهد» (قاسمی، ۱۳۹۱) "وی همچنین معتقد است که استفاده از واژه پاسخ به جای واکنش به معنای آن است که سیاست جنایی هم پیش از وقوع جرم (برای پیشگیری) و هم پس از آن (برای سرکوبی) وارد عمل می‌شود و این پاسخ علیه جرم نیست بلکه علیه پدیده مجرمانه است که شامل دو پدیده «جرم» (پدیده کیفری) و «انحراف» (پدیده جامعه‌شناختی) است به این ترتیب اگر از سیاست جنایی در راستای حمایت از محیط‌زیست استفاده شود اولاً تمام اشکال گوناگون آلودگی محیط‌زیست اعم از آنکه در زمره جرایم زیست محیطی وارد شده باشد و یا خیر مورد توجه قرار خواهد گرفت و ثانیاً در بر گیرنده تدابیر پیشگیری نیز خواهد بود به عبارت دیگر حمایت از محیط‌زیست

به معنای ارائه واکنش کیفری در برابر جرایم زیست محیطی نخواهد بود بلکه باید با بهره مندی از تمامی ابزارها و شیوه‌ها حتی غیر کیفری و در همه حالات، یعنی قبل و یا پس از بروز آلودگی، به حمایت از محیط‌زیست پرداخت پس اگر حمایتی همه جانبه و مطلوب مورد نظر باشد به کارگیری این سیاست به مراتب بهتر از اعمال سیاست کیفری است (قاسمی، ۱۳۹۱) لذا خطرات زیست محیطی یاد آور این مطلب مهم است که پیشگیری در زمینه محیط‌زیست به مراتب اولتر از مبارزه به خاطیان و متعرضین با محیط‌زیست است، با این اوصاف و با توجه به اینکه محیط‌زیست جزء لاینفک حقوق بشر می باشد پیشنهاد می گردد که کمیته ششم سازمان ملل (کمیته حقوقی) در این خصوص اقدام به تدوین قوانین و مجازاتهای همسان نماید و با تعریف جرم و مجازات در زمینه حقوق محیط‌زیست و پیشنهاد دادگاهی مستقل تحت عنوان دادگاه بین‌المللی حفاظت از محیط‌زیست و در لوای فصول ششم و هفتم منشور ملل متحد اقدام به تنظیم معاهده بین‌المللی و الزام آور نماید.

منابع

- زمانی، سید قاسم (۱۳۹۵) حقوق سازمانهای بین‌المللی - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی - شهر دانش
مقررات مربوط به کارکنان ملل متحد طی قطع نامه ۵۹۰ مجمع عمومی و قطعنامه ۲۴۸ بتصویب رسیده است. رک
قاسمی، ناصر (۱۳۹۱) حقوق کیفری محیط‌زیست - خرسندی - چاپ سوم
موسی زاده، رضا (۱۳۸۸) سازمانهای بین‌المللی - بنیاد حقوقی میزان
میر عباسی، سید باقر و زری (۱۳۹۵) جایگاه اصل توسعه پایدار در تحقق حق‌های بشری از منظر حقوق بین‌الملل - تهران - انتشارات
جنگل - چاپ اول
نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۰) فرهنگ لغات و اصلاحات سیاسی - تهران - نی
ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه شناسی توسعه - تهران - نشر کلمه
رحیمی، حسین (۱۳۸۲) توسعه پایدار - پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی سال اول - شماره پنجم
کلانتر، سید کیانوش (اسفند ماه ۱۳۸۳) الگوهای نوظهور در سنجش پایداری توسعه - مجله تدبیر - شماره ۱۷۸ - سال هفدهم
صدوق، محمد باقر (۱۳۸۰) توسعه و توسعه پایدار - مجله محیط‌زیست - فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط‌زیست - شماره ۳۶
دورتر، پیتر (۱۳۵۶) اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی - ترجمه احمد کریمی - تهران - امیرکبیر
یای، لوسین (۱۳۷۰) فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی - ترجمه: مجید محمدی - نامه فرهنگ - شماره‌های ۵ و ۶
گوندلینگ - لوتار و جی - دیبلو - هویسمان (۱۳۸۱) حقوق محیط‌زیست - ترجمه محمدحسن حبیبی - موسسه انتشارات دانشگاه تهران -
چاپ اول
رحیمی، حسین (بهمن ماه ۱۳۸۹) توسعه پایدار - پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی - سال اول، شماره پنجم
الهوری نظری، حمید و محمدی، عقیل (زمستان ۱۳۹۶) نگاهی انتقادی به پیش نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی -
مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز - دوره نهم، شماره چهارم، صفحه ۷
بیژن عباسی، بیژن و رستمی، مرتضی (تابستان ۱۳۹۴) ابعاد حقوقی میراث مشترک بشریت در فضای ماورای جو - مجله مطالعات
حقوقی دانشگاه شیراز - دوره هفتم، شماره دوم، صفحه ۲۹
الهوری نظری، حمید و محمدی، عقیل (زمستان ۱۳۹۶) نگاهی انتقادی به پیش نویس مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی -
مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز - دوره نهم، شماره چهارم، صفحه ۲

آیگنایس زایدل هومن فلدرن (۱۳۹۱) **حقوق بین‌الملل اقتصادی** - ترجمه سید قاسم زمانی - چاپ پنجم - موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش - ص ۲۴۴-۲۴۵

پروفسور ریکا والاس، الگا مارتین ارتگا (۱۳۹۴) **حقوق بین‌الملل** - ترجمه دکتر سید قاسم زمانی، نویسنده - نشر دانش
عبداللهی، محسن (۱۳۸۲) **مصونیت قضائی دولت در حقوق بین‌الملل** - معاونت پژوهش - تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست
جمهوری

Martinus Nijhoff(2008) **Finn seyersted common Law of International Organizations** Pvblishers.pp107

Author ximena fuetes(june 2002) **International Enviremental Agreements**. volume 2 . Issue 2 . pp 109 .